

حسابرسی دولتی و روش‌های پیشگیری از وقوع جرائم مالی و اداری در حوزه حسابداری
دولتیامید چاوشی^{۱*}، شاهو حیدری کندمان^۲

*۱ - لیسانس حسابداری، دانشگاه آزاد قروه

Email: omidaccounting@yahoo.com

۲ - فوق لیسانس حسابداری، دانشگاه آزاد سنندج

Email: haidarishaho@gmail.com

چکیده:

واحدهای اقتصادی از نظر نوع مالکیت سه گروه حسابداری عمومی، تعاونی و خصوصی هستند، واحدهای عمومی که ما در اصطلاح واحدهای دولتی می‌خوانیم شاخه‌ای از حسابداری است که در زمینه حسابداری مؤسسات دولتی و عمومی کاربرد دارد. با توجه به اینکه مؤسسات دولتی هدف از فعالیتشان کسب سود و منافع مالی نمی‌باشد و به صورت عمومی و بیت المال می‌باشد و کلیه دارایی‌ها و منابع دولتی عام‌المنفعه می‌باشند که بیشتر در معرض آسیب و سوءاستفاده افراد و مؤسسات می‌باشند. وقوع جرائم و تخلفات مالی که در سطح گسترده‌ای در تمام کشورهای دنیا هم‌چنین در ایران از مشکلات عمده است. حسابرسی دولتی سعی در کنترل و کشف راه‌های مختلفی جهت جلوگیری از وقوع انواع تخلفات مالی دارد. در این زمینه تحقیقات و زحمات زیادی به عمل آمده که می‌توان به ایجاد و تأسیس انواع مؤسسات و سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی در جهت پیش برد و کاهش تخلفات مالی و اداری که در این زمینه می‌توان به سازمان حسابرسی، انجمن حسابداران رسمی ایران، انجمن حسابداران خبره ایران، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور و... اشاره نمود که این خود نشان از تلاش دولت‌ها و اقشار مختلف جامعه جهت جلوگیری و کاهش وقوع جرائم مالی و اداری می‌باشد.

حسابرسی و به خصوص حسابرسی دولتی در این خصوص تلاش نموده تا با اجرایی نمودن انواع روش‌ها و راهکارهایی که حاصل سال‌ها تجربه و تلاش صاحب‌نظران و اندیشمندان حسابداری و حسابرسی به رشته تحلیل درآمده و راه‌هایی را برای کشف و جلوگیری از انواع تخلفات مالی ارائه نموده. حسابداری حسابرسی مالی و روش‌های پیشگیری از وقوع جرائم مالی در حوزه حسابداری دولتی که یکی از سرفصل‌های مهم و کاربردی و در عین حال ضروری می‌باشد چراکه امروزه افراد یا مؤسساتی هستند که جهت کسب منافع از طریق نامشروع و غیرقانونی اقدام نموده و این از وظایف حسابرسان و حسابداران خبره می‌باشد تا با اعمال روش‌های حرفه‌ای و در چهارچوب قانون و مقررات دولتی اقدامات مذکور را خنثی یا به حداقل برسانند.

در این مجموعه سعی شده ابتدا در زمینه حسابداری دولتی به صورت کلی مواردی بیان سپس در بحث حسابرسی انواع حسابرسی و جرائم مالی راه‌کارهایی پیشنهاد و در زمینه حسابداری دولتی و کاربردی مطالبی بیان شود تا شاید بتوان جهت کشف و جلوگیری از جرائم مالی مفید واقع شود.

واژگان کلیدی: حسابداری دولتی - حسابرسی دولتی - تخلفات مالی - جرائم - حسابداری - حسابرس

The State auditing and procedures. Prevention of the outbreak of the financial and administrative offences in the area of governmental accounting**Abstract:**

Economic units in terms of the type of ownership of public accounting groups, cooperatives and private, public units that we read in the so-called state of the branch of accounting that is used in the field of public accounting firms. Considering that the aim of the activities of state institutions and in public and not for profit financial interests and public funds and all assets and resources of the state public works and abuse of people and institutes are more vulnerable Bashndkh. Crime and financial fraud widely in all countries of the world is also a major problem in Iran. Government Accountability try to control and explore different ways to prevent the occurrence of financial irregularities. In the field of research and efforts that can create a lot of the present and the establishment of public and private institutions and organizations in order to advance and reduce the financial and administrative violations in the field of auditing the organization, the Association of Chartered Accountants, Institute of Chartered Accountants of the Court Audit, GIO and noted that this shows the efforts of governments and all walks of life to prevent and reduce crime is financial and administrative.

Audit and public accountability, especially in the efforts to implementation of a variety of methods and solutions as a result of many years of experience and efforts of experts and scholars in the field of accounting and auditing were analyzed and ways to detect and prevent violations of the financial.is to professional procedures and within the framework of law and government regulations to minimize or neutralize the action.

The collection was first tried in the field of public accounting in general audit of audit and financial crime cases said then discuss strategies and practical suggestions in the field of government auditing to detect and prevent talked to may be financial crimes will be useful.

Keywords: government accounting - governmental audit - financial offenses - offenses - accounting - Auditors

مقدمه

اگرچه جامعه ایران، جامعه‌ای توأم با گرایش‌های مذهبی و ملی است که همه آن‌ها فساد را پدیده‌ای زشت شناخته‌اند و همواره تأکید بر مبارزه با آن کرده‌اند، با این حال شاهد این هستیم که شیوع فساد در جامعه مسیر بسیاری از پیشرفت‌های اجتماعی و ملی را بسته و هزینه‌های هنگفتی را بر دوش کشور و در نهایت مردم گذاشته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در بعد کلان، افزایش فاصله طبقاتی میان طبقات اجتماعی غنی و فقیر است. برخی تخلف اداری و فساد اداری را باهم یکی می‌دانند و به جای یکدیگر به کار می‌برند در حالی که این دو مفهوم متفاوت‌اند.

فساد اداری:

حالتی است در نظام اداری که اکثر تخلفات مکرر و مستمر کارکنان به وجود می‌آید و آن را از کارایی مطلوب و اثربخش مورد انتظار بازمی‌دارد، بنابراین تخلفات اداری باعث فساد اداری می‌شوند و در واقع تخلفات اداری علت و فساد اداری معلول است.

البته هر تخلفی باعث فساد اداری نمی‌شود بلکه باید ویژگی‌های خاصی داشته باشد که مهم‌ترین آن‌ها مکرر بودن، استمرار داشتن، نهادینه بودن و تأثیر نسبتاً زیاد داشتن در سطوح مختلف سازمانی است.

فساد اداری در سطوح مختلف مدیریتی، بارده‌های مختلف کارمندان رابطه قوی دارد زیرا فساد اداری در رده‌های بالای سازمان و مدیران عالی نیاز به کمک و هماهنگی رده‌های میانی و عملیاتی نظام اداری که این امر ویژگی نهادینه بودن فساد اداری را گسترش می‌دهد.

مفهوم تخلفات اداری:

به‌طور کلی هر نوع انحراف از شیوه‌های صحیح و قانونی انجام وظایف و استفاده نامشروع از موقعیت شغلی را تخلف اداری گویند.

• علل تخلفات اداری:

▪ ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی:

مهم‌ترین عامل ریشه‌های فرهنگی و عقیدتی است. فرهنگ عمومی جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر افراد و اجتماع و عقاید و باورهای مردم نقش محوری در این زمینه‌دارند. مادی‌گرایی، فردگرایی، روحیه مصرف‌گرایی. مهم‌تر از همه ضعف در ایمان به و آخرت از جمله آناناست.

▪ ریشه‌های اقتصادی:

بی‌ثباتی اقتصادی، تورم افسارگسیخته، رکود اقتصادی، کاهش درآمدها و کاهش قدرت خرید مردم و توزیع ناعادلانه درآمدها در جامعه از جمله مهم‌ترین عوامل اقتصادی است.

▪ عوامل سیاسی:

عدم استقلال کامل قوه قضائیه، نفوذ قوه مجریه بر آن و بر دستگاه‌های نظارتی و بازرسی، فشار گروه‌های ذی‌نفوذ در داخل و خارج سازمان، فساد اداری مدیران، جوسازی و غوغا سالاری، توصیه برای در امان ماندن مدیران متخلف از مجازات و بالاخره آگاهی مردم از حقوق خود در برابر قانون، از جمله عوامل سیاسی تسهیل‌کننده‌های تخلفات اداری است.

▪ عوامل اداری:

تشکیلات اداری غیر کارآمد، پیچیدگی قوانین، مقررات و تعدد بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری، مدیران غیر مؤثر، فقدان شایسته‌سالاری و وجود تبعیضات در زمینه‌های استخدام و ارتقای افراد، نارسایی در نظام تشویق و تنبیه بنظام نظارت و ارزشیابی و عوامل متعدد دیگر از جمله عوامل تسهیل‌کننده در این امر هستند.

علل مذکور و عوارض ناشی از آن موجب تخلفات اداری و در پی آن فساد اداری می‌گردد. که نتایج منفی آن‌ها بر هیچ‌کس پوشیده نخواهد ماند که عامل بزرگی در ایجاد فقدان اثربخشی و عدم کارایی و در نتیجه عدم توسعه و عقب‌ماندگی در سازمان و به پیروی از آن در جامعه خواهد گردید.

انواع تخلفات مالی واداری:

الف) تخلف مالی که می‌تواند شامل موارد ذیل گردد:

اختلاس

عدم رعایت انضباط اقتصادی و مالیاتی در انجام معاملات و...

ب) تخلف اداری

۱- ترک خدمت در ساعت موظف اداری

۲- تأخیر در ورود و خروج غیرمجاز

۳- ایجاد نارضایتی در ارباب‌رجوع

۴- گم کردن پرونده‌ها و اسناد دولتی رسمی

راه‌های پیشگیری از تخلفات اداری و مالی:

بهترین راه پیش‌گیری از تخلفات اداری و به‌تبع آن فساد اداری از بین بردن ریشه‌ها و عوامل تسهیل‌کننده آن است.

در بعد اجتماعی و فرهنگی تحول در مفروضات، باورها، نگرش‌های مردم به‌ویژه کارمندان، مدیران و مسئولان، گسترش انگیزه‌های خدایی، روحیه قناعت و یک عزم ملی می‌تواند در پیشگیری از این تخلفات مثمر ثمر باشند. در بعد اقتصادی نیز بسط و گسترش عدالت اقتصادی در جامعه، کاهش فاصله بین ثروتمندان و تنگدستان، متناسب ساختن درآمد و هزینه، افزایش قدرت خرید مردم و کاهش تورم از راه‌های پیش‌گیری در بعد اقتصادی به شمار می‌رود.

در بعد سیاسی تیز می‌توان به استقلال قوه قضائیه و سایر دستگاه‌های نظارتی اشاره کرد. مجازات کامل کارکنان و مدیران متخلف، آگاه کردن مردم از حقوق خود در برابر قانون، کم کردن نفوذ سیاست در اداری از راه‌های پیشگیری از جنبه‌های سیاسی هستند و در بعد اداری به تحول در بوروکراسی سنتی، ناکارا و غیر مؤثر، تغییر ساختار و تشکیلات، متناسب ساختن آن با اهداف و وظایف محوله، ایجاد نظام شایسته‌سالاری در گزینش و ارتقای افراد. اصلاح نظام دستمزد و کم کردن مقررات دست‌وپا گیر اداری، آزادی عمل به مشارکت کارکنان، افزایش آگاهی به مسئولان و مدیران و هماهنگی با کارکنان به‌ویژه در دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های نظارتی و بازرسی و تحول اساسی در مفروضات و نگرش‌های سنتی آن‌ها با توجه به سایر ابعاد قبلی، به‌خصوص در بعد فرهنگی و اجتماعی. و در نتیجه با توجه به نقش سلامت نظام اداری در تحقق توسعه در ابعاد مختلف آن، مشخص شد که نبود کارایی و اثربخشی نتیجه فساد اداری است که آن نیز خود معلول تخلفات اداری می‌باشد که با توجه به عوامل و ریشه‌های مختلف آن امری ساده نیست و فرایندی که به عوامل متعدد زیر بنایی برمی‌گردد. برای پیشگیری از تخلفات اداری باید ریشه‌ها و عوامل اصلی را از بین برد و مقابله با عارضه‌ها سودی ندارد. این امر نیازمند تحولات اساسی در مفروضات، نگرش‌ها، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و نظام اداری کشور است و یک همکاری و هماهنگی بین دولت و مردم را طلب می‌کند. مهم‌ترین عامل بروز فساد اداری بزرگ شدن دولت است. بنابراین برای زدودن فساد از چهره نظام اداری کشور دل بستن به دولت کار اشتباهی است زیرا دولت برای این کار باید با صرف هزینه‌های فراوان اقدام به تأسیس نهاد جدیدی برای این کار و تأمین امکانات، استخدام افراد، تنظیم مقررات و قوانین موردنیاز و ... نماید.

اهمیت بوروکراسی در این است که می‌تواند با متناسب کردن اهداف و وسایل به جامعه خدمت کند و با سازمان‌دهی تخصیص بهینه منابع، کشور را در مسیر پیشرفت قرار دهد. اهداف و آرمان‌ها در چارچوب یک نظام اداری سالم قابل اجرا، پیاده و عملیاتی شدن هستند و اگر نظام اداری، سالم و کارا نباشد علیرغم نیت‌های خیر سیاست‌گذاران آنچه در عمل تحقق می‌یابد ممکن است در تضاد با آن اهداف و سیاست‌ها باشد. بنابراین بدون نظام اداری سالم دستیابی به توسعه در یک کشور جهان‌سومی نظیر ایران بسیار بعید به نظر می‌رسد.

تعریف فساد اداری:

ریشه فساد فعل لاتین *rumpere* به معنای شکستن است بنابراین در فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود که آن ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه قانونی و غالباً مقررات اداری باشد.

طبق تعریف بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل، فساد سوءاستفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی و خصوصی است که این تعریف مورد توافق عمومی در جهان است و به‌طور ضمنی فرض شده است که مجموعه‌ای از قوانین و ضوابط مدون اداری وجود دارد که چهارچوب فعالیت‌های مجاز اداری را تعیین می‌کنند، هرگونه رفتار اداری که مغایر با این قوانین باشد و در آن انتفاع شخصی مطرح باشد فساد اداری تلقی می‌شود.

بدیهی است چنین تعریفی وقتی جامع است که قوانین و حدود آن کاملاً واضح و فراگیر باشد. فساد در جامعه نسبی است و با نظام ارزشی هر جامعه تعریف می‌شود.

بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل: فساد اداری عبارت است از استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی اداری، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علائق خانوادگی.

بیان مسئله

فساد مالی پدیده‌ای است که کم‌وبیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد. اما نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است، همان‌طور که نتایج و پیامدهای آن نیز بنا بر نوع سازمان سیاسی و اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی تفاوت دارد.

در هر صورت فساد مالی موجب انحطاط است، سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد، باعث هدر رفتن منابع ملی می‌شود و به کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور می‌انجامد و از این طریق اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی کاهش یافته، بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی افزایش می‌یابد. فساد، اعتقاد و ارزش‌های اخلاقی جامعه را متزلزل می‌کند، هزینه انجام کارها را افزایش می‌دهد، و رشد رقابت‌پذیری را دشوار می‌سازد.

همچنین تلاش‌های فقرزدایی را ناکام می‌سازد بی‌انگیزگی و بدبینی ایجاد می‌کند و زمینه تضعیف روحیه افراد درستکار را فراهم می‌آورد.

فساد اداری و مالی مانع سرمایه‌گذاری می‌شود و مسیر رشد و توسعه اقتصاد را با موانع بسیار مواجه می‌سازد و از طریق هدایت ناصواب استعدادهای و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت‌های نادرست برای دستیابی به درآمدهای سهل‌الوصول، زمینه رکود در تمام ابعاد فراهم می‌سازد. از طرف دیگر، هر کجا فساد ریشه بدواند، روزه‌روز بیشتر شده، مقابله با آن بسیار دشوار می‌شود و ریشه‌های آن هر روز عمیق‌تر در بطن جامعه نفوذ می‌کند. بنابراین مقابله با فساد در عرصه مالی واداری ضرورتی جدی و انکارناپذیر است.

سابقه فساد اداری و مالی در جوامع مختلف:

موضوع فساد همواره و از بدو وجود تمدن‌ها وجود داشته و گریبان‌گیر دولت‌های باشد و حکومت‌ها و دولت‌ها از قرن‌ها پیش با مشکل سوءاستفاده کارگزاران دولتی روبرو بوده‌اند. جرائمی نظیر اختلاس، و جعل، جرائم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازه دولت‌ها دارند. در طی قرون گذشته همواره رابطه معکوسی بین استفاده درست از قدرت و قلمرو گسترش فساد وجود داشته و همواره زمانی که از قدرت بطور مطلوب استفاده شده، میزان فساد کاهش یافته است. تقسیم‌بندی فساد اداری: یک محقق علوم سیاسی به نام هیدن هیمر، فساد اداری را به سه گونه سیاه، خاکستری و سفید تقسیم می‌کند:

فساد اداری سیاه: کاری که از نظر توده‌ها و نخبگان سیاسی منفور است و عامل آن باید تنبیه شود. برای مثال می‌توان از دریافت رشوه برای نادیده گرفتن معیارهای ایمنی در احداث مسکن نام برد. فساد اداری خاکستری: کاری که از نظر اکثر نخبگان منفور است، اما توده‌های مردم در مورد آن بی‌تفاوت‌اند. مثلاً کوتاهی کارمندان در اجرای قوانینی که در بین مردم از محبوبیت چندانی برخوردار نیستند و کسی غیر از نخبگان سیاسی به مفید بودن آن‌ها معتقد نیست.

فساد اداری سفید: کاری که ظاهراً مخالف قانون است، اما اکثر اعضای جامعه (نخبگان سیاسی و اکثر مردم عادی) آن را آن قدر مضر و بااهمیت نمی‌دانند که خواستار تنبیه عامل آن باشند. برای مثال، چشم‌پوشی از موارد نقض مقرراتی که در اثر تغییرات اجتماعی و فرهنگی، ضرورت خود را از دست داده‌اند.

حسابداری یک نظام اطلاعاتی مالی است:

این نظام اطلاعات مالی مجموعه‌ای از روش‌ها و قواعدی است که از طریق آن اطلاعات مالی مربوط به یک موسسه، جمع‌آوری، طبقه‌بندی و به نحو قابل‌فهم و ساده‌ای در قالب گزارش‌های مالی خلاصه و گزارش می‌شود تا بتواند در تصمیم‌گیری‌های مدیران و در تحقق اهداف موسسه مورد استفاده قرار گیرند. نتیجه آنکه حسابداری ابزار تصمیم‌گیری و مدیریت است و نظام حسابداری هر سازمان تابع نیازهای اطلاعاتی آن سازمان می‌باشد.

تعریف حسابداری دولتی:

حسابداری دولتی نظامی است که اطلاعات مالی مربوط به فعالیت‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را به منظور تصمیم‌گیری صحیح مالی و کنترل برنامه‌های مصوب بودجه سالانه و منابع مالی مورد استفاده دولت، جمع‌آوری، طبقه‌بندی، تلخیص و گزارش می‌نماید.

در تعریف بالا تأکید بر برنامه‌های مصوب سالانه و منابع مالی دولت شده است به دلیل آنکه کنترل بودجه و منابع مالی دولت از اصول بنیادین حسابداری دولتی است.

در حسابداری دولتی مراحل حسابداری برای کنترل برنامه مصوب سالانه و نیز جلوگیری از تداخل منابع مالی مورد استفاده به کار گرفته می‌شود. پس کنترل بودجه از اصول بنیادی حسابداری دولتی است.

مشخصات یک موسسه دولتی:

موسسه دولتی بایستی حتماً همه مشخصات ذیل را داشته باشد وگرنه موسسه دولتی نیست:

- ۱- تشکیلات و سازمان مشخصی داشته باشد.
- ۲- به موجب قانون تشکیل شده باشد.
- ۳- زیر نظر یکی از قوا باشد.
- ۴- عنوان وزارتخانه نداشته باشد.

شرکت دولتی: به واحد سازمانی مشخصی گفته می‌شود که با اجازه قانون تشکیل شده و بیش از پنجاه درصد از سرمایه آن متعلق به دولت باشد.

تفاوت سازمان‌های انتفاعی و بازرگانی با سازمان‌های غیرانتفاعی دولتی:

- ۱- انگیزه: هدف اصلی تشکیل سازمان‌های بازرگانی عموماً سود است اما سازمان‌های دولتی بنا به ضرورت‌های اجتماعی و قانونی تأسیس می‌شوند و سود نمی‌تواند انگیزه‌ای برای تشکیل آنان باشد.
- ۲- مالکیت: مالکیت سازمان‌های دولتی اصولاً عمومی است و سهامداران آن همه مردم کشور می‌باشند و مالکیت فردی یا به صورت سهام قابل خرید و فروش در سازمان‌های دولتی وجود ندارد.
- ۳- منابع مالی: در مؤسسات دولتی عموماً از طریق مالیات تأمین می‌شود ولی در مؤسسات بازرگانی از طریق سهامداران خصوصی تأمین می‌شود.
- ۴- درآمد و هزینه: در سازمان‌های دولتی هزینه‌ها با درآمدها مربوط نیستند.
- ۵- هدف از وصول مالیات بیشتر توسط دولت تمرکز ثروت نیست بلکه هدف توزیع عادلانه ثروت و تقویت بنیه مالی برای خدمات بیشتر به جامعه است.

حسابرسی دولتی

حسابرسی دولتی عبارت است از رسیدگی یا بررسی معاملات و کنترل‌های یک موسسه دولتی توسط حسابرس به منظور اظهار نظر در این مورد که:

الف) فعالیت‌های مالی و اقتصادی طبق اصول متداول حسابداری دولتی در صورت‌ها و گزارش‌های انعکاس یافته است.

ب) کنترل‌ها و روش‌های عملی ناظر بر رعایت قوانین و مقررات از کفایت لازم برخوردار است.

ج) دستگاه اجرایی از کارایی لازم مشتمل بر پیشرفت مناسب فیزیکی کار، استفاده بهینه از منابع (انسانی، مالی و فیزیکی)، حرکت صحیح به سمت تحقق اهداف کیفی و کمی طرح‌ها، حفاظت از مدارک مالی ارائه به موقع اطلاعات و گزارش‌های و تحویل و تحول به موقع دارایی‌های تکمیل شده برخوردار است.

اهداف حسابرسی دولتی:

عبارت است از ارزیابی عملکرد هر یک از دستگاه‌های اجرایی در زمینه فعالیت آن‌ها، به منظور حصول اطمینان از موارد زیر:

۱. صورت‌های مالی به نحوه منصفانه قابل قبول ارائه شده باشد.
۲. رعایت قوانین و مقررات مالی و محاسباتی
۳. میزان در صد تحقق اهداف از پیش تعیین شده
۴. حراست و استفاده بجا و مطلوب از اموال و دارایی‌ها

انواع حسابرسی دولتی:

- حسابرسی‌هایی که بر حسب هدف‌های آنان تعریف می‌شود به دو طبقه تقسیم‌بندی می‌شود:
۱. حسابرسی مالی: شامل حسابرسی مالی، حسابرسی کنترل‌ها و رعایت قوانین و مقررات.
 ۲. حسابرسی عملیاتی: شامل حسابرسی میزان کارایی و صرفه‌جویی در مخارج و حسابرسی برنامه‌ای.

حسابرسی مالی:

این نوع حسابرسی مالی شامل حسابرسی صورت‌های مالی و سایر گزارش‌های مالی است

(۱،۱) حسابرسی صورت‌های مالی: حسابرسی صورت‌های مالی در مورد اینکه صورت‌های مالی یک واحد تجاری حسابرسی شده وضعیت مالی و نتایج عملیات و جریان وجوه نقد را طبق اصول پذیرفته‌شده حسابداری به‌طور منصفانه ارائه می‌دهد، اطمینان منطقی ایجاد می‌کند. حسابرسی صورت‌های مالی همچنین شامل حسابرسی صورت‌های مالی تهیه‌شده طبق سایر مبانی حسابداری است که در استانداردهای حسابرسی صادره توسط انجمن حسابداران رسمی آمریکا تشریح شده است.

(۱،۲) حسابرسی‌های سایر گزارش‌های مالی: این نوع حسابرسی شامل تعیین موارد مشروحه زیر است:

-۱ آیا اطلاعات مالی طبق موازین وضع یا اعلام‌شده ارائه می‌شود؟

-۲ آیا واحد مورد رسیدگی الزامات مالی خاصی را رعایت می‌کند؟

-۳ آیا ساختار کنترل‌های داخلی مورد رسیدگی در مورد گزارش‌های مالی و یا نگهداری از دارایی‌ها به نحوه مناسب

طراحی شده و در جهت دستیابی به اهداف کنترلی به اجرا درآمده‌است؟

حسابرسی‌های گزارش‌های مالی می‌تواند به‌طور مثال، اظهارنظر نسبت به موارد زیر باشد:

الف) بخشی از صورت‌های مالی، اطلاعات مالی (صورت درآمدها و هزینه‌ها، صورت دریافت‌ها و پرداخت‌های نقدی و صورت دارایی‌های ثابت) درخواست‌های به وجه، صورت مغایرت بین عملکرد مالی پیش‌بینی‌شده و واقعی.

ب) کنترل‌های داخلی مربوط به رعایت قوانین و مقررات، از قبیل موارد ناظر به:

-پیشنهاد مبلغ

-حسابداری

-گزارشگری در خصوص کمک‌های بلاعوض و پیمان‌ها (شامل پیشنهادها و مبالغ صورت‌حساب شده و سایر موارد)

ج) کنترل‌های داخلی درباره گزارشگری مالی یا نگهداری دارایی‌ها، شامل کنترل‌های استفاده از دستگاه‌های

رایانه‌ای.

د) رعایت قوانین و مقررات و رسیدگی به تقلب.

تعریف حسابرسی عملیاتی:

حسابرسی عملیاتی مصداق بارزی از خدمات مشاوره مدیریت است که می‌تواند برخی ویژگی‌های حسابرسی

صورت‌های مالی را نیز داشته باشد. این حسابرسی دربرگیرنده بررسی سیستماتیک فعالیت‌های یک سازمان دولتی و یا بخش مشخصی از آن در دستیابی به هدف‌های مشخص است.

اهداف کلی حسابرسی عملیاتی:

الف) ارزیابی عملکرد: هر حسابرسی عملیاتی شامل ارزیابی عملکرد یک واحد است.

ب) شناسایی فرصت‌های بهبود عملیاتی

ج) ارائه پیشنهادهایی برای بهبود عملیات یا الزام انجام بررسی‌ها و اقدامات بیشتر

مزایای حسابرسی‌های عملیاتی:

با توجه به دامنه بررسی، حسابرسی عملیاتی ممکن است تمام یا برخی از مزایای زیر را در برداشته باشد. اگرچه

ممکن است همه آن‌ها به‌عنوان یک اهداف کار حسابرسی بیان نشده باشد.

(۱) شناسایی آن دسته از هدف‌ها، سیاست‌ها و روش‌های سازمان که تاکنون تعریف نشده باقی مانده است

(۲) شناسایی راهکارهای جایگزین

(۳) شناسایی‌های مشکلات اشکالات نقاط ضعف و دلایل بروز آن‌ها

(۴) ارزیابی مستقل و بی‌طرفانه عملیات مشخص

(۵) ارزیابی میزان قابلیت اطمینان و گزارش‌های مدیریت

مراحل حسابرسی:

عملیات حسابرسی که در جریان رسیدگی به امور شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی و یا بازرگانی لازم است، به‌قدری

مفصل و پیچیده است که حسابرس برای آنکه بتواند با بررسی کامل و جامعی نسبت به صورت‌های مالی مورد رسیدگی به

یک عقیده حرفه‌ای صحیح دست‌یافته و نظر خود را اظهار نماید، صرف‌نظر از جمع‌آوری اطلاعات کلی مربوط به مؤسسه

مورد رسیدگی عملیات حسابرسی معمولاً در طی مراحلی به شرح زیر انجام می‌گردد:

الف: بررسی کنترل داخلی- به طوری که حسابرس بتواند از مناسبت و کفایت و قوت کنترل داخلی دستگاه در بخش‌های مختلف فعالیت آن اطمینان یافته و نقاط ضعف موجود در سیستم کنترل داخلی و اثرات احتمالی هر یک را بشناسد.

ب: رسیدگی به عملیات مستمر- به طوری که حسابرس بتواند از انعکاس نتیجه مالی کلیه عملیات دستگاه در دفاتر و مدارک حسابداری آن به نحو رضایت بخشی اطمینان حاصل نماید.

ج: رسیدگی کلی به دفاتر و مدارک حسابداری - به طوری که حسابرس بتواند از درستی جمع پیکره‌های مندرج در دفاتر و صورت‌حساب‌های حسابداری و همچنین اقلام منقول و موازنه کلی حساب‌ها و بالاخره انطباق صورت‌های مالی با دفاتر و مدارک حسابداری دستگاه اطمینان حاصل نمایند.

د: اثبات - به طوری که صرف نظر از آنچه دفاتر و مدارک حسابداری دستگاه مورد رسیدگی نشان می‌دهد، حسابرس با اتکا به یک سلسله شواهد و مدارک مستقل، بتواند از وجود واقعی دارایی‌ها و بدهی‌های مندرج در ترازنامه و همچنین تعلق آن‌ها به دستگاه بالاخره ارزش اقلام مربوط بر اساس اصول و موازین پذیرفته شده و متداول حسابداری مطمئن گردد.

تقلب و مسئولیت حسابرسان برای کشف تقلب

تقلب به اقدامات عمدی یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث اطلاق می‌شود که به ارائه نادرست صورت‌های مالی منجر می‌شود. تقلب ممکن است دربرگیرنده موارد زیر باشد:

دست‌کاری، جعل یا تغییر اسناد و مدارک حسابداری یا سایر مدارک به منظور به دست آوردن مزایای مالی غیر حق و غیرقانونی، سوءاستفاده از دارایی‌ها یا سرقت آن‌ها
ارائه نادرست آثار مالی معاملات یا حذف آن‌ها از اسناد و مدارک
ثبت معاملات بدون مدارک مثبت (معاملات صوری)
به‌کارگیری نادرست رویه‌های حسابداری

تقلب بسیار پرهزینه است. مطابق با اعلام انجمن خیره آزمون تقلب (ACFE)، مبلغ برآورد شده منابع مالی که به دلیل اظهارات جعلی مالی، اختلاس دارایی‌ها و رشوه‌خواری در سراسر جهان در سال ۲۰۰۹ از دست‌رفته است معادل ۲.۹ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود و انجمن خیره آزمون تقلب (ACFE) پیش‌بینی کرده است تنها در ایالات متحده، سالانه معادل مبلغ ۹۹۴ میلیارد دلار به علت تقلب از بین می‌رود. بدین ترتیب این زبان‌های سرسام‌آور نشان می‌دهند که حدود ۷٪ از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده سالیانه از بین می‌رود. بر اساس بودجه مالی ایالات متحده در سال ۲۰۰۸، خسارات ناشی از کلاهبرداری بیش از هزینه‌های خالص مجموع بخش‌های دفاع، امنیت کشور، حمل‌ونقل، و آموزش و پرورش در سال مالی ۲۰۰۸ بوده است. تقلب نه تنها پرهزینه است، بلکه به شهرت و اعتبار حرفه حسابرسی نیز صدمه می‌زند. هنگامی که به علت وجود تقلب صورت‌های مالی غیرقابل اعتماد می‌گردند و نیاز مبرم به بازبینی پیدا می‌کنند از بین رفتن اعتماد عمومی کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. (موضوعی که در نتیجه اختلاس بانک صادرات در بازار بورس اوراق بهادار برای سهامداران این بانک و حتی سایر بانک‌ها اتفاق افتاده است) در نتیجه، سرمایه‌گذاران عمومی انتظارات خود را از حسابرسان برای شناسایی تقلب‌ها بالا می‌برند. (Hogan et al. ۲۰۰۸.- Silverstone and Davia ۲۰۰۵)

محققان حسابداری، وکلا، و تدوین‌کنندگان استانداردها، همگی به‌طور یکسان نسبت به شکست ظاهری حسابرسان در کشف تقلب در جریان حسابرسی ابراز نگرانی کرده‌اند. به‌عنوان مثال، تی. جوزف ولز، بنیان‌گذار انجمن خیره آزمون تقلب (ACFE)، حسابرسان را برای عدم آموزش و آمادگی در ارتباط با کشف تقلب‌ها مورد انتقاد قرار داد. او ادعا کرد که اکثریت اعضای انجمن حسابداران رسمی (CPA) هنوز در ارتباط با تقلب اطلاعات کافی ندارند! در طول ۸۰ سال گذشته... فارغ‌التحصیلان حسابداری که آموزش‌های لازم در ارتباط با تقلب را ندیده بودند در مقابل دروغ‌گویان خیره و سارقان حرفه‌ای از جنگ با تقلب قرار گرفتند.

با این استدلالات عملاً "کشف تقلب برای حرفه حسابرسی به پاشنه آشیل تبدیل شده است و بر همین اساس در تلاش برای بازگرداندن اعتماد عمومی به حرفه حسابرسی، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، انتظاراتی را که از حسابرسان برای کشف تقلب وجود دارد را چند پله بالاتر بردند. (به‌عنوان یک نتیجه از حادثه سرنگونی اترن و ورلدکام (Enron & WorldCom)، در حال حاضر حسابرسان ملزم به رعایت الزامات بیانیه شماره ۹۹ در استانداردهای حسابرسی (SAS) می‌باشند). طبق بیانیه استاندارد حسابرسی (SAS)، حسابرسان باید در جلسات گروهی که در جهت بررسی و شناسایی احتمالات و ملزومات وقوع یک تقلب برگزار می‌شود شرکت کنند و به‌این‌ترتیب تدوین‌کنندگان

استانداردهای حسابرسی (SAS) انتظار داشتند که بیانیه شماره ۹۹ باعث افزایش آگاهی حسابرسان نسبت به شیوع تقلب در طول دوره قرارداد حسابرسی آنها بشود. با این حال علیرغم تلاش تدوین کنندگان استانداردها به منظور افزایش توانایی حسابرسان در کشف و شناسایی تقلب، گروه بازرسی هیئت عمومی نظارت حسابداری (PCAOB) مواردی را مشاهده نمود که حسابرسان موفق به اجرای مناسب و پیاده سازی بیانیه شماره ۹۹ استانداردهای حسابرسی (SAS) نشدند.

در طی این سالها انجمن خبره آزمون تقلب (ACFE) اعلام کرد که صرف وجود حسابرسی خارجی را حل مناسبی برای شناسایی و یا محدود کردن تقلب نمی باشد و اعلام نمودند حسابرسان صورت های مالی بازرسان تقلب نیستند. آنها به گونه های آموزش دیده اند که صرفاً بتوانند تشخیص دهند که آیا صورت های مالی ارائه شده توسط شرکت در تمام جهات مالی، منصفانه و مطابق با اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه شده است یا خیر؟ و تشخیص تقلب، مشابه با حسابرسی صورت های مالی نمی باشد و برای شناسایی شواهد تقلب نیاز به داشتن مهارت های خاص و تکنیک های قانونی توسعه یافته ای می باشد که حسابرسان از این دانش بی بهره هستند (Davia ۲۰۰۰) و برای این کار به طور خاص، نیاز به وجود افرادی می باشد که در استفاده از مهارت های تحقیقی و تحلیلی مربوط به محدوده های سوابق حسابداری، جمع آوری و ارزیابی شواهد صورت های مالی، مصاحبه با تمام طرفین مربوط به وضعیت تقلب ادعا شده و در مورد تقلب دارای مهارت و تخصص کافی باشند. (هیوود و همکاران، ۲۰۰۸). (Hopwood et al. ۲۰۰۸). بنابراین، صرفاً آگاهی حسابرسان از احتمال تقلب در حسابرسی صورت های مالی برای شناسایی و کشف تقلب کافی نیست.

در حال ما شاهد مسیر تاریخی تدوین استانداردهای حسابرسی هستیم به طوری که تدوین کنندگان استانداردهای حسابرسی (SAS) مکرراً استانداردهای حسابرسی اضافی و جدید را صادر می کنند تا پس از اطلاع رسانی های گسترده عمومی در رابطه با تقلبها قادر به جویگویی در مقابل اعتماد عمومی، باشند. اگرچه به نظر می رسد که شکسته ای پی در پی حسابرسان در کشف تقلب بیش از پیش نشان می دهد که در واقع این استانداردهای اضافی، ماهیتی نمادین دارند و تأثیرات شگرفی بر بهبود و امنیت اقتصادی جامعه نشده است.

درواقع شکست در کشف تقلب قابل نسبت دادن به این موضوع است که در مجموعه مهارت ها و اهداف کاری بین حسابرسی صورت های مالی و کشف تقلب تفاوت بسیاری وجود دارد. اگرچه تدوین کنندگان استانداردها، به تدریج به این نتیجه رسیدند حضور یک بازرس قانونی (کشف تقلب) در جریان حسابرسی صورت های مالی پس از شناسایی یکی از فاکتورهای وجود احتمالی تقلب، ضروری است، با توجه به اینکه حسابرسان در شناسایی تقلبها پیشرفت زیادی نکردند. اما در این شرایط توأم کردن وجود متخصص و بازرس قانونی در کنار قراردادهای حسابرسی برای کاهش ریسک وجود تقلب شناسایی نشده می تواند مثمر ثمر باشد. علاوه بر این بسیار مهم است که حسابرسان صورت های مالی در حوزه های بازرس قانونی و حسابرسی تقلب، تعلیم و آموزش ببینند. بدون آموزش مناسب و کافی در بخش و حوزه قانونی، انتظار اینکه حسابرسان صورت های مالی قادر به شناسایی و کشف تقلب باشد بسیار بی معنی است و به منظور حراست و مراقبت بیشتر از عامه مردم جامعه در مقابل تقلب و برای حفظ اعتبار حرفه حسابرسی، لازم است تا پژوهشگران حسابداری به دنبال راهها و روش هایی جدید به منظور بهبود توانایی حسابرسان در کشف و محدود کردن تقلبها باشند.

در اینجا به منظور آگاهی بیشتر آحاد جامعه حرفه ای خلاصه ای از فرآیند حسابرسی و مسئولیت پذیری حسابرسان برای کشف تقلبها از سنوات قبل تا به حال و همچنین سیر پیشرفت تدوین استانداردها را ارائه می نمایم. از همه مهم تر، ارزیابی انتقادی از واکنش حرفه ای در رویکرد حسابرسان نسبت به کشف تقلبها و کمبودهای آن، که امروز نیز وجود دارد را نیز تشریح می کنیم.

فرآیند حسابرسی:

حسابرسان و بازرسان روشها و متدهای خاصی را در جریان عملیات حسابرسی به این منظور که تعیین کنند که آیا صورت های مالی ارائه شده دارای اشتباهات نادرست مالی هست یا خیر؟ را بر روی صورت های مالی اجرا می کنند. بدین منظور که اظهارات نادرست (مالی) اساساً "اعداد و ارقام غلطی هستند که بنا به اشتباهات عددی تقلبها و یا خطا در تفسیر قوانین حسابداری رخ می دهند. اظهارات غلط عواملی هستند که اگر به اندازه کافی بزرگ (زیاد) باشند می توانند منجر به اشتباه در تصمیم گیری استفاده کنندگان صورت های مالی مثل بانکها یا سرمایه گذاران ایجاد کنند.

جهت انجام این ارزیابی و اطمینان بخشی حسابرسان از روش های نمونه گیری برای بررسی برخی از معاملات در طول جریان حسابرسی و یا بازبینی استفاده می کنند از این رو تقریباً غیر ممکن و بسیار پرهزینه است که تک به تک معاملات توسط حسابرس مورد بررسی و بازبینی قرار بگیرند زیرا که نمونه گیری با این هدف انجام می شود که بخش اعظم

صورت‌های مالی و یا بخش‌های مالی که در صورت‌های مالی که انتظار می‌رود بیشترین ریسک را در اظهار نظر نادرست به همراه داشته باشند مورد شناسایی و ارزیابی قرار گیرند. مضافاً اینکه مطابق استانداردهای حسابرسی اگر خطاهای مالی در سطح صورت‌های مالی توسط حسابرسان شناسایی شوند حسابرسان از مدیران خواهند خواست تا آن‌ها را اصلاح کنند.

بنابراین جای این سؤال باقی می‌ماند که چگونه است که تقلب‌ها قابل گنجاندن در میان اظهارات نادرست صورت‌های مالی می‌باشند؟ زیرا که اظهارات نادرست می‌توانند به دلیل خطاها و یا تقلب‌ها ایجاد شوند و با توجه به اینکه حسابرسان دارای مسئولیت‌هایی در رابطه با کشف این خطاهای مالی هستند همواره دارای مسئولیت نسبت به شناسایی آن‌ها نیز است اما نباید این موضوع را از نظر دور داشت که این مسئولیت مطابق با استانداردهای حسابرسی کاملاً مطلق نیست. زیرا که حسابرسان مسئول این هستند که اطمینان دهند که اظهارات نادرست کشف شده، اما این اطمینان بخشی با اطمینان مطلق نیست. در طول جریان حسابرسی احتمال اینکه خطاهای شناسایی شوند بسیار بیشتر از آن است که تقلب‌ها شناسایی شوند زیرا که همواره نقشه‌های انجام تقلب، نیرنگ‌های هستند که به این منظور طراحی شده‌اند تا از سیستم حسابداری و کنترل‌ها سوءاستفاده کنند و آن‌ها را دور بزنند و در نتیجه بسیار مشکل‌تر است که یک حسابرس بتواند آن‌ها را کشف کند. از این رو چون حسابرسان افرادی نیستند که همه‌چیز را بدانند (عقل کل نیستند) بیان اینکه صورت‌های مالی صحیح هستند تنها می‌تواند یک بیان معقول (منصفانه- منطقی) باشد تا یک اطمینان کامل و صد درصد.

سیر تاریخی تمرکز حسابرسان بر روی شناسایی و کشف تقلب

مسئولیت حسابرسان برای کشف تقلب در طول سال‌ها به‌طور چشمگیری تغییر کرده است. کشف تقلب از سال ۱۵۰۰ و حتی پیشی تر از آن یکی از اهداف اولیه اصلی حسابرسی برای حسابرسان در کشور بریتانیا، (به‌عنوان مرکز کشف اختلاس بوده است. (Brown, ۱۹۶۲)؛ آل برشت وهم کاران، ۲۰۰۱، (Albrecht et al. ۲۰۰۱) اساس حسابرسی در آمریکا در طول سال‌های شکل‌گیری خود با رسیدن به هدف اولیه از حسابرسی با موضوعیت کشف و جلوگیری از تقلب‌ها و خطاها مورد توجه قرار گرفت. (دیکسی، ۱۹۰۰، Dicksee)، مونتگومری، (Montgomery, ۱۹۲۱) و توانایی حسابرسان برای کشف تقلب به‌عنوان یک فضیلت حرفه‌ای مطرح شد:

"تشخیص تقلب، بخش اصلی و مهم‌ترین وظایف حسابرسان است، و هیچ‌گونه تردیدی در این رابطه وجود ندارد که حسابرسی که قادر به شناسایی تقلب است بهتر از حسابرسی است که قادر به انجام این کار نیست. بنابراین حسابرسان باید، با پشتکاری فراوان این شاخه از وظایف خود را تقویت کنند و بدون شک زمان برای مدت زیادی منتظر حسابرسان برای تقویت خود نمی‌ماند- (بدون شک این شاخه به‌عنوان یکی از وظایف حسابرسی به شمار می‌رود که مشتری برای آن بسیار بیشتر از سایر وظایف حسابرسان بوده و از نتایج حاصله از آن بیشتر قدردانی خواهند کرد.

شکی نیست که با پیشرفت در این شاخه از وظایف حسابرسی مشتریان حسابرسی از این حرفه بسیار قدردانی خواهند نمود. اما در گذر زمان تأکید بر تشخیص تقلب به تدریج در طول سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۰ کم‌رنگ شده و مدت‌ها قبل از افتضاح انرون، حرفه حسابرسی در اواخر سال ۱۹۳۸ با بدنامی مککینسون (McKesson) و رسوایی رابینز (Robbins) مواجه شد. رسوایی مککینسون و رابینز (McKesson and Robbins) مانند سیلی از آب یخ بود که حرفه حسابداری را دچار یک شوک نفس‌گیر کرد.

پرایس واترهاوس وهم کاران (Price Waterhouse & Co) به‌عنوان حسابرسان مککینسون و رابینز (McKesson and Robbins) به سبب عدم توانایی در شناسایی و جلوگیری از چنین تقلب بزرگی شدیداً مورد سؤال قرار گرفتند که در نتیجه عواقب بعدی شکست مککینسون و رابینز (McKesson and Robbins)، از حسابرسان خواسته شد تا روش‌های اضافی حسابرسی را در مورد حسابداری اسناد دریافتی و موجودی، به کار بگیرند (باکس تر، ۱۹۹۹ Baxter) - و به این ترتیب به‌منظور محدود کردن فشار بر روی مسئولیت بالقوه برای حسابرسان، حرفه حسابرسی به این توافق رسید که حسابرسان نمی‌توانند و نباید در درجه اول به شناسایی و کشف تقلب بپردازند تغییر در تمرکز حرفه حسابرسی در کشف تقلب در بیانیه‌ی شماره ۱ - توسعه روش‌های حسابرسی - رویکردهای حسابرسی (SAP) به شرح زیر منعکس شد:

"بررسی معمولی رویدادها، در انتشار صورت‌های مالی، همراه با گزارش و نظر یک حسابدار رسمی مستقل، برای کشف تمام اختلاس‌ها، طراحی نشده است به دلیل اینکه این امر هدف اولیه اصلی حسابرسی صورت‌های مالی نیست! هر چند که کشف اختلاس‌ها اغلب نتایجی مانند خارج شدن امکان کشف تمام موارد عدم صداقت و تقلب را در بردارد،

حسابرس مستقل باید در جزئیات تمام معاملات به بررسی بپردازد که این مستلزم تحمیل هزینه گران برای اکثر شرکت‌های کسب و کار و قرار دادن هزینه اضافی بر صنعت است.

بیانیه شماره ۱ رویکردهای حسابرسی (SAP) به‌طور مؤثر تمرکز حسابرسان را از کشف تقلب در جریان حسابرسی دور کرد تا حسابرسان بیشتر نگران تهیه گزارش مالی منصفانه طبق استانداردهای حسابداری برای مشتریان خود باشند. پس از صدور بیانیه شماره ۱ رویکردهای حسابرسی (SAP)، حرفه حسابرسی، تحت فشار روزافزون از سوی مردم و کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) به منظور روشن سازی مسئولیت حسابرسان در رابطه با کشف تقلب قرار گرفت. در نتیجه، انجمن حسابداران خبره عمومی آمریکا (AICPA)، بیانیه شماره ۳۰ رویکردهای حسابرسی (SAP-) مسئولیت‌ها و وظایف حسابرس مستقل در بررسی صورت‌های مالی-را در سال ۱۹۶۰ صادر کرد. اگرچه بیانیه شماره ۳۰ رویکردهای حسابرسی (SAP) اذعان کرد که حسابرسان باید از این امر که ممکن است امکان تقلب در طول جریان حسابرسی وجود داشته باشد، آگاه باشند اما این امر در الزام حسابرسان نسبت به شناسایی تقلب بسیار کم اثر و حتی دارای اثری منفی بود (اسکات و فرای، ۱۹۹۷، آل برشت و ویلینگهام، ۱۹۹۷; Scott and Frye, ۱۹۹۷; Willingham, ۱۹۹۳).

بیانیه کوهن و کمیسیون تجارت

رسوایی ناشی از تأمین و افزایش دارایی‌های خالص، یکی دیگر از موارد تقلب عمده بعدی بود که سرانجام توجه ویژه به تحقیقات کنگره درباره شکست حسابرسان در کشف تقلب را برانگیخت (کمیسیون تجارت، ۱۹۸۷) در واکنش به تحقیقات کنگره، انجمن حسابداران خبره عمومی آمریکا (AICPA) کمیونی را در مورد مسئولیت حسابرسان تشکیل داد تا مسئولیت حسابرسان برای کشف تقلب را مورد بررسی قرار دهد که این کمیسیون به‌عنوان کمیسیون کوهن شناخته می‌شود.

کمیسیون کوهن اذعان کرد "درحالی‌که حسابرسان باید به‌طور فعال به پتانسیل خود برای کشف تقلب توجه کنند، اما محدودیت ذاتی در فرایند حسابرسی مسئولیت حسابرسان برای کشف همه موارد تقلب ضعیف می‌سازد. به‌طور خاص، این کمیسیون این موضوع که برای حسابرسان شناسایی تقلب‌های که پنهان شده‌اند و یا از جعل اسناد و یا تبانی توسط اعضای مدیریت مشتق شده‌اند بسیار مشکل می‌باشد را مورد تأیید قرار داد.

بیانیه شماره ۱۶ در استانداردهای حسابرسی (SAS)، مسئولیت حسابرس مستقل برای تشخیص خطای تناقضات - به‌عنوان نتیجه کمیسیون کوهن صادر شد. بیانیه شماره ۱۶ در استانداردهای حسابرسی (SAS) به‌طور ضمنی اذعان کرد که حسابرسان دارای این مسئولیت می‌باشند که به دنبال تقلب‌هایی باشند که می‌تواند تأثیری بر روی صورت‌های مالی گزارش شده داشته باشد. همچنین لیستی از پرچم‌های قرمز (عوامل خطرناک) برای حسابرسان تعریف شد که باید نسبت به آن‌ها در طی بررسی صورت‌های مالی حساس و نگران باشند.

باین حال، بیانیه شماره ۱۶ در استانداردهای حسابرسی (SAS) بابیانی مبهم ارائه شد و راهنمایی کافی برای حسابرسان جهت جستجو برای تقلب در جریان حسابرسی را فراهم نیاورد.

(کمیسیون تجارت، Treadway-۱۹۸۷، ۱۹۸۷؛ مدیسون و راس، ۱۹۹۰). (Madison and Ross, ۱۹۹۰).

رسوایی ناشی از نمایش افزایش در خالص دارایی‌ها شامل ثبت اسناد دریافتی جعلی و درآمد برای زیاده‌تر نشان دادن درآمد برای هر سهم (EPS) به‌منظور به دست آوردن درآمد مورد انتظار گردید. به‌طوری‌که شرکت‌های سرمایه‌گذاری بیمه، بیمه‌نامه را به مشتریان جعلی می‌فروخت و این روایی بسیار ناهمگون در سیاست‌های نادرست فروش بود این در حالی بود که اگرچه در آنجا به‌اندازه کافی پرچم‌های قرمز وجود داشت تا باعث شود که حسابرسان مشکوکانه تر عمل کنند، اما آن‌ها تقلب‌های جاری در هنگام حسابرسی را از دست دادند. آن‌ها ۶۴۰۰۰ معاملات ساختگی با ارزش اسمی ۲ میلیارد دلار، ۲۵ میلیون دلار در اوراق قرضه‌های تقلبی، و ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مالی گمشده را از دست دادند (هانوکس، ۱۹۹۷).

این کمیسیون توسط رئیس سابق کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC)، مانوئل. اف. کوهن رهبری می‌شد، ایشان در طول دهه ۱۹۷۰ تغییراتی در قوانین ایجاد کرده بود در نتیجه این اقدامات حس تعهد حسابرسان نسبت به کشف تقلب را نیز ضعیف نمود. تحت فشار وزارت دادگستری و کمیسیون تجارت فدرال (FTC) بر روی سازمان‌های حرفه‌ای کمیسیون تجارت فدرال (FTC) از انجمن حسابداران خبره عمومی آمریکا (AICPA) درخواست شد که تا شرکت‌های حسابرسی امکان انجام تبلیغات بدون هرگونه محدودیتی را در اختیار داشته باشند (Kinney, ۲۰۰۵, p.۹۱) تحت این

فشار بی‌امان و مستمر، انجمن حسابداران خیره عمومی آمریکا (AICPA) ممنوعیت در برگزاری مناقصه رقابتی، ممنوعیت تبلیغات و ممنوعیت هزینه‌های مشروط را لغو نمود. یکی از مهم‌ترین نتایج لغو محدودیت‌های انجمن حسابداران خیره عمومی آمریکا (AICPA) از روی مناقصه‌های رقابتی برای خدمات حسابرسی، حاشیه سود حسابرسی به میزان قابل توجهی در میان مؤسسات بزرگ حسابرسی کاهش یافت.

دستور کمیسیون تجارت فدرال (FTC) نسبت به افزایش رقابت در حرفه حسابرسی، نه تنها رابطه بین حسابرسان و مشتریان خود را اساساً تغییر داد، بلکه باعث افزایش فشار هزینه و در نتیجه تأثیر بر روی کیفیت حسابرسی گردید. تو بی. بی. شاپ رئیس سابق انجمن خیره آزمون تقلب (ACFE) ادعا کرد که مناقصه رقابتی، فشار فوق‌العاده‌ای بر روی مؤسسات حسابرسی قرار داده است تا ساعات کاری در قراردادهای خود را محدود کنند. وی استدلال کرد که چنین حرکتی سهواً حسابرسان را نسبت به جستجوی تقلب در جریان حسابرسی دلسرد می‌کند. در اواسط دهه ۱۹۸۰، بیانیه شماره ۱۶ در استانداردهای حسابرسی (SAS) در جهت افزایش مسئولیت حسابرسان در کشف تقلب موفق نبود و تنها فاصله‌های انتظاراتی را افزایش داد.

این به‌عنوان یکی از نتایج اطلاع‌رسانی عمومی در ارتباط با شکست‌های تجاری بود که توسط برخی افراد به‌عنوان شکست حسابرسی بیان گردید. (Scott and Frye, ۱۹۹۷). یکی از این شکست‌های به وجود آمده به‌طور خاص مربوط به بحران پس‌انداز و وام در اواسط دهه ۱۹۸۰ بود که باعث ایجاد موج جدیدی از نگرانی‌های عمومی و تحقیقات کنگره‌ای گردید که در نهایت منجر به تشکیل کمیسیون تجارت گشت (Glover and Aono, ۱۹۹۵) مأموریت کمیسیون تجارت شناسایی عواملی بود که می‌تواند منجر به انتشار شناسایی راه‌های جلوگیری و کاهش شیوع گزارش‌های مالی تقلبی گردد. یکی از اهداف اصلی کمیسیون تجارت (FTC) بررسی نقش عمومی حسابداران مستقل در تشخیص تقلب، با تمرکز خاص بر روی این موضوع بود که آیا در تشخیص گزارشگری مالی جعلی بی‌توجهی شده است؟ یا به‌اندازه کافی بر روی آن تمرکز نشده است؟ و یا برای یافتن چنین تقلبی توانایی حسابدار عمومی مستقل می‌تواند افزایش یابد؟ و بیان اینکه آیا تغییرات در استانداردهای حسابرسی یا روش‌های آن می‌تواند وسعت تقلب‌های مالی را کاهش دهد یا خیر؟

کمیسیون مجدداً اظهار داشت که توانایی عمومی حسابدار مستقل برای شناسایی تقلب گزارشگری مالی به‌طور مستقیم مرتبط با کیفیت حسابرسی است. بر اساس بررسی این گروه بر روی موارد تقلب گزارشگری مالی، حداقل ۳۶ درصد از موارد شکست حسابرسان به علت عدم تشخیص و تعقیب مشکوکانه علامت‌های هشداردهنده مربوط به تقلب مسلم و قطعی و یا پرچم‌های قرمز موجود در جریان حسابرسی می‌باشد. در سال ۱۹۸۸، انجمن استانداردهای حسابداری (ASB) بیانیه‌ای بر اساس گزارش کمیسیون تجارت را ارائه داد. این استانداردها برای مشخص نمودن نقش حسابرسان خارجی، در ارتباط با تقلب و افزایش بازده کلی روش‌های شناسایی و جلوگیری از تقلب طراحی شده بودند. دو مورد از این بیانیه‌ها (۵۳ و ۵۴) به‌طور خاص با نگرانی‌های کنگره در ارتباط با تشخیص تقلب و فعالیت‌های غیرقانونی بالقوه از مشتریان حسابرسی، سروکار داشت. (Madison and Ross, ۱۹۹۰) برخلاف استانداردهای قبلی، از حسابرسان خواسته شد تا شک و تردید حرفه‌ای مورد نیاز درباره اینکه مدیریت صادق است یا خیر را در جریان حسابرسی بکار بگیرند. با این حال، در اوایل دهه ۱۹۹۰، هیئت نظارت عمومی (POB) این موضوع که استانداردهای جدید استانداردهای حسابرسی (SAS) تأثیر کمی بر روش انجام حسابرسی دارد و این استانداردها دادخواهی علیه حسابرسان را کاهش نمی‌دهد، را اعلام کرد. هیئت نظارت عمومی (POB) همچنین دریافت که حسابرسان به‌طور مداوم مطابق با این استانداردها عمل نمی‌کنند و درجه مناسب شک و تردید حرفه‌ای مورد نیاز برای شناسایی تقلب را بکار نمی‌گیرند. اعتقاد عمومی به این باور است که در عین حال که حسابرسان دارای مسئولیت برای تشخیص تقلب هستند، اما آن‌ها نه مایل به انجام این کار و نه قادر به انجام این کار هستند. فشار طاقت‌فرسای بر حرفه حسابرسی از شکست خود در کشف تقلب باعث شد تا هیئت نظارت عمومی (POB) تعدادی از پیشنهادها را برای بهبود تمایل حسابرسان برای شناسایی تقلب بپذیرد. هیئت نظارت عمومی (POB) تأکید کرد که حسابرسان باید مسئولیت کشف تقلب را قبول کنند. با این وجود، هیئت نظارت عمومی (POB) تأکید کرد که "این حرفه نمی‌تواند و از آن انتظار نمی‌رود که در جهت توسعه روش‌هایی برای اطمینان دهی این که هر تقلبی، صرف‌نظر از اینکه چقدر هوشمندانه برنامه‌ریزی شده باشد، در جریان حسابرسی آشکار خواهد شد به شرطی که ابزار شناسایی احتمال تقلب را افزایش داد و بهبود بخشید (POB).

افزایش مسئولیت تشخیص تقلب و بیانیه شماره ۹۹ در استانداردهای حسابرسی (SAS)

انجمن حسابداران خبره عمومی آمریکا (AICPA) (از پیشنهاد هیئت نظارت عمومی (POB) حمایت کرد و به این نتیجه رسید که بسیار مهم و اساسی است که یک استاندارد حسابرسی که صرفاً بر تقلب در صورت‌های مالی تمرکز داشته باشد ارائه گردد (Mancino, ۱۹۹۷).

بدین ترتیب انجمن حسابداران خبره عمومی آمریکا (AICPA) یک گروه کاری که تنها درباره تقلب تحقیق می‌کردند تشکیل داد و پس‌از آن بیانیه شماره ۸۲ در استانداردهای حسابرسی - (SAS) تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی - در فوریه سال ۱۹۹۷ صادر گردید و بر همین اساس برای اولین بار، تقلب در سریتیر بیانیه‌های استانداردهای حسابرسی گنجانده شد.

بیانیه شماره ۸۲، استانداردهای حسابرسی (SAS) تقلب‌ها را به دودسته مجزا و به شرح زیر طبقه‌بندی می‌کند:
۱- تحریف عمدی صورت‌های مالی ۲- سرقت دارایی‌ها.

حسابرسان با استفاده از یک لیست ارائه‌شده از عوامل خطر، نمونه‌هایی از گزارش مالی و سوءاستفاده از دارایی‌های جعلی که آن‌ها باید در طول جریان حسابرسی ارزیابی کنند، آگاه می‌شوند. بر اساس بیانیه شماره ۸۲، استانداردهای حسابرسی (SAS)، حسابرسان باید برآورد ریسک تقلب خود را مستندسازی کنند و همچنین تغییر روش حسابرسی خود را هنگامی که نشانه‌هایی از وجود احتمال تقلب در طی دوره حسابرسی مشاهده شد را نیز مستندسازی نمایند. بیانیه شماره ۸۲، استانداردهای حسابرسی (SAS) نقش مهمی در روشن ساختن نقش حسابرسان در کشف تقلب داشت. هدف از این استاندارد ارائه تضمین به عموم مردم بود که حسابرس مستقل خارجی با امضا گزارش و درج اسم خود در پایان گزارش حسابرسی معتقد می‌باشد که یک برای انتشار صورت‌های مالی فارغ از اظهارات غلط، آن‌ها گام‌های وسیعی را در جهت افزایش اطمینان به اینکه از هیچ تقلبی چشم‌پوشی نخواهد شد را تحصیل نموده‌اند (Demery, ۱۹۹۷). این وجود، بیانیه شماره ۸۲، استانداردهای حسابرسی (SAS)، مسئولیت حسابرسان را برای کشف تقلب فراتر از مفاهیم کلیدی مادی و تضمین معقول، افزایش نداد.

علاوه بر صدور بیانیه شماره ۸۲، استانداردهای حسابرسی (SAS)، هیئت نظارت عمومی (POB) هیئت ای را منصوب کرد تا بررسی جامعی را در رابطه با انجام حسابرسی سودمند و اثربخش، بنا بر درخواست کمیسیون بورس اوراق بهادار (SEC) انجام دهند. در سال ۲۰۰۰، این هیئت گزارش خود را بیان کرد و پیشنهاد کرد که حسابرسان طرق قانونی را در مراحل حسابرسی اجرا کنند تا احتمال شناسایی تقلب‌های مادی در صورت‌های مالی را افزایش دهند. این هیئت مجدداً به مؤسسات حسابرسی پیشنهاد کرد تا از بازرسی قانونی (متخصصین این رشته) برای آماده‌سازی و آموزش حسابرسان در طی یک دوره آموزشی مربوط به تقلب استفاده کنند. باین حال در قرن ۲۱، هیچ‌یک از این تلاش‌ها مانع از گسترش امواج تقلب و افزایش درآمدها که جامعه را به نوسان وامی‌داشت، نگردید. حرفه حسابرسی به جهت عدم انجام وظیفه امانتی خود به‌عنوان دروازه‌بانی که محافظت از علاقه عمومی (توجه عمومی) را بر عهده داشت، پس از عواقب شکست انرون حرفه حسابرسی در جهان تحت فشار بسیار شدیدی قرار گرفت. در خلال تلاش‌های بسیار برای بازگرداندن اطمینان عمومی، کنگره قانون ساربانز - اکسلی (Sarbanes-Oxley-SOX) را تصویب کرد و انجمن نظارت عمومی حسابداران (PCAOB) را تأسیس نمود. تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی از قانون ساربانز - اکسلی (Sarbanes-Oxley-SOX) این انتظار را داشتند که به‌عنوان قوی‌ترین بیانیه صادرشده پس از دهه ۱۹۳۰، به حسابرسان در شناسایی و محدود کردن تقلب‌های بزرگ شرکتی کمک کند. (Klass, ۲۰۰۴)

در سال ۲۰۰۰، بیانیه شماره ۹۹، استانداردهای حسابرسی (SAS)، در نظر گرفتن تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی، به‌جای بیانیه شماره ۸۲، استانداردهای حسابرسی (SAS) صادر شد و برای حسابرسان رهنمودهای را مهیا کرد تا بدانند که راهنمایی بهتری برای اینکه چگونه توانایی‌هایشان را برای شناسایی تقلب در طی جریان حسابرسی صورت‌های مالی، بالا ببرند. هدف این استاندارد کمک به حسابرسان در جهت پیش گرفتن شیوه‌ای محافظه‌کارانه برای جلوگیری و شناسایی تقلب به‌وسیله افزایش دانش مشتریان خود بود که باید در نتیجه روش‌های کارآمدتری در ارزیابی خطر را به دنبال می‌داشت. حسابرسان را متوجه این موضوع کرد که در طول جریان حسابرسی، می‌بایست ذهنی پرسشگر نسبت به پتانسیل موجود برای احتمالات تقلب داشته باشند و از آن‌ها انتظار می‌رود که تا از شک‌های حرفه‌ای در جمع‌آوری و ارزیابی شواهد حسابرسی و کنار گذاشتن باورهای قبلی خود نسبت به امین و صادق بودن مدیریت در مراحل کار خود استفاده کنند و به‌طور خاص، از حسابرسان خواسته شد تا خود را درگیر طوفان‌های فکری و بحث کردن درباره احتمالات وجود اظهارات غلط مالی و تقلب کنند. درحالی‌که مقصود بیانیه شماره ۹۹، استانداردهای حسابرسی (SAS)،

نتیجه گیری

برای بهبود توانایی تشخیص تقلب حسابرسان، لازم است تا در قراردادهای حسابرس هم از روش‌های قانونی و هم از بازرسی قانونی استفاده شود به این معنا که در هر گروه حسابرسی حداقل باید یک نفر وجود داشته باشد که در ردهای بازرسی قانونی قرار داشته باشد و لازم است تا این نفر در کل دوره‌های حسابرسی حاضر باشد و نه تنها زمانی که یکی از نشانه‌های احتمال وجود تقلب شناسایی گردید و به این ترتیب می‌توان از هزینه‌های اضافی ناشی از شکست در شناسایی تقلب پیشگیری کرد و باید توجه کرد که آموزش حسابرسان در حوزه‌های حسابداری قانونی و حسابرسی تقلب بسیار دارای اهمیت می‌باشد با آموزش، میل حسابرسان و شناسایی و بررسی پرچم‌های قرمز مربوط به تقلب افزایش خواهد یافت، در نتیجه اثربخشی حسابرسی نسبت به تقلب بیشتر خواهد شد و اعتماد به نفس بیشتری در توانایی حسابرسان به حفاظت از منافع سهامداران ایجاد می‌گردند. به منظور محافظت بهتر عموم در مقابل تقلب و حفظ اعتبار حسابرسی، محققان حسابداری باید به بررسی راه‌هایی که می‌تواند کمک به بهبود توانایی حسابرسان برای تشخیص و به منظور محدود کردن تقلب کند ادامه دهند.

چاره حسابرسی:

مدیران و کلا و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها ممکن است این سؤال را از خود بپرسند که چرا آن‌ها برای انجام حسابرسی شرکت خود پول‌های زیادی پرداخت می‌کنند. این در حالی است که روند حسابرسی فعلی قادر نیست که مشکلات بالقوه و مسائل مربوط به سوء جریانات انجام‌شده در سطح شرکت را شناسایی کند.

حسابرسی و بازرسی در دنیای تجارت امروز جای خود را بجای صرف در شناسایی تقلب و اختلاس به عنوان کمک‌کننده به شرکت‌ها در شناسایی محدودیت‌های ریسک در پروسه گزارشگری مالی داده است و آن‌ها امیدوارند که بتوانند با این تفکر خطاهای مالی و تقلب‌ها را نیز کشف کنند. ولیکن از آنجایی که حسابرسان و بازرسان تنها می‌توانند اطمینان محدودی نسبت به صحت ارقام ارائه دهند آن‌ها تنها یک‌بخشی از تصویر مالی یک شرکت را به تصویر می‌کشند (اگر مدیریت می‌خواهد یک مرحله فراتر قدم بگذارد آن‌ها به دنبال حسابرسی و بازرسی خواهند گشت که تخلف‌ها و تقلب‌ها را به صورت ویژه بررسی و شناسایی کنند. به طوری که بازرسی و ممیزی کنترل‌های داخلی با تمرکز بر روی تقلب می‌تواند از اتفاق افتادن آن جلوگیری کند آن‌ها احتمالاً تقلب‌های قدیمی را شناسایی نخواهند کرد اما با درگیر کردن یک روش ضد تقلب حرفه‌ای در طول بازرسی کنترل‌های داخلی، می‌تواند در شناسایی محدودهای با ریسک بالا در شرکت کمک کند.

قدم بعدی در این مسیر تدوین و توسعه یک روش اجرایی به طور خاص تنها برای جلوگیری از تقلب طراحی شده باشد برای این کار لازم است تا مدیریت حالتی تدافعی در مقابل تقلب به خود بگیرد از آنجایی که مدیریت به طور کامل نمی‌تواند به حسابرسی و بازرسی برای کشف تقلب تکیه کند، گزینه بهتر این است که کنترل‌های را در واحد اجرایی اجرا کند تا شانس تقلب را کاهش دهد.

و در انتها مسئولیت جلوگیری از تقلب و شناسایی آن بر عهده مدیریت شرکت است، هیئت‌رئیس و مدیریت باید به طور واضح و روشن محدودیت‌های ذاتی حسابرسی و بازرسی را بشناسند و تشخیص دهند که آن‌ها نمی‌توانند و نخواهند توانست که همه تقلب‌ها را پیدا کنند.

برنامه‌های رسیدگی و توصیه‌هایی برای کمک به حسابرسان جهت شناسایی تقلب:

رسیدگی به مستعد بودن مشتری نسبت به تقلب صرف‌نظر از تجربیات گذشته موسسه حسابرسی و تفکرات قبلی درباره صداقت مدیریت و درستکاری او.

پرسش از مدیریت درباره نظرات او در ارتباط با ریسک تقلب در موسسه و آگاهی او از تقلب شناسایی شده.

رسیدگی نسبت به برنامه‌های مدیریت جهت کنترل و شناسایی ریسک و تعیین آنکه آیا برنامه‌ها و کنترل‌های مدیریت قادر به کاهش ریسک شناسایی شده هستند.

شناسایی ماهیت صنعت و حالت‌های عمومی کلی و عوامل مؤثر بر ایجاد تقلب شامل: ۱- انگیزه، فشار و فرصت ۲-

نگرش (روش رفتار) ۳- توجیه (عقلانی کردن)

تشکیل جلسات مشاوره‌ای و کارشناسی در خصوص ادای توضیحات نسبت به اشتباهات و تقلب‌های حادث‌شده

برای کارکنان و گروه حسابرسی (تشکیل جلسات تبادل افکار)

تشکیل جلسات طوفان مغزی برای حسابرسان.

مهیا نمودن آمادگی ذهنی برای حسابرسان در حین انجام عملیات حسابرسی برای شناسایی تقلب از طریق آموزش و یا استفاده از متخصص امر در رشته بازرسی.

افزایش دامنه رسیدگی به عنوان ابزاری بسیار مؤثر در کشف تقلب. انجام تحقیق و بررسی مدبرانه بر روی ریسک‌های تقلب در شرکت و شناخت هر تقلب شناخته شده یا مفروض.

پرس‌وجو از افراد و کارکنان خارج از محدوده حسابداری و مالی شرکت و پرس‌وجو از رده‌های مختلف کارکنان شرکت - البته نه طاقت‌فرسا و نه پرهزینه.

دستیابی به منابع مختلف اطلاعاتی در سطح شرکت و تحلیل بهینه آن‌ها در ارزیابی و شناسایی ریسک‌های تقلب. واکنش سریع و مطمئن حسابرس در خصوص ریسک‌های شناسایی شده.

شناسایی بیانیه‌ها و رویه‌های اشتباه شرکت در سطح صورت‌های مالی و شناسایی ذات و اثر اتخاذ رویه مذکور پس از مستندسازی جهت بررسی و ارزیابی اثر تقلب در آن.

سطح توجه مدیریت به ماهیت کنترل‌های داخلی و برنامه‌های او در تقویت آن

منابع و مراجع

- ۱- نشریه شماره ۱۲۶ سازمان حسابرسی با عنوان حسابداری قراردادهای بلندمدت پیمانکاری تألیف آقایان مصطفی علی مدد و نظام‌الدین ملک آرابی.
- ۲- نشریه شماره ۱۸۵ سازمان حسابرسی با عنوان راهنمای به‌کارگیری استاندارد حسابداری شماره ۹ حسابداری پیمان‌های بلندمدت تألیف آقای دکتر موسی بزرگ اصل.
- ۳- نشریه شماره ۵۱ (حسابداری پیمانکاری) سازمان حسابرسی
- ۴- اصول حسابداری، تألیف فلورا کریمی، گاروهوانسیان فر، نشر همراه، سال ۱۳۴۷.
- ۵- کتاب حسابداری پیمانکاری، تألیف: مصطفی علی مدد و نظام‌الدین ملک آرابی
- ۶- عالی و عزیز و رضا شباهنگ- حسابداری صنعتی (برنامه‌ریزی و کنترل)، ۱۳۷۰. سازمان حسابرسی- جلد سوم
- ۷- بروج نو روش، حسابداری شرکت‌ها، تهران، سال ۸۱

- [۱] Albrecht, C. C., W. S. Albrecht, and J. G. Dunn. ۲۰۰۱. Can Auditors Detect Fraud: A Review of the Research Evidence. *Journal of Forensic Accounting*, ۲, ۱-۱۲.
- [۲] Albrecht, W. S., and J. J. Willingham. ۱۹۹۳. An Evaluation of SAS No. ۵۳, the Auditor's Responsibility to Detect and Report Errors and Irregularities. *The Expectation Gap Standards, Proceedings of the Expectation Gap Roundtable*, May ۱۱-۱۲, ۱۰۲-۱۲۴. Charleston, SC: American Institute of Certified Public Accountants, Inc.
- [۳] Baxter, W. T. ۱۹۹۹. McKesson and Robbins: A Milestone in Auditing. *Accounting, Business, and Financial History*, ۹(۲), ۱۵۷-۱۷۴.
- Brown, R. G. ۱۹۶۲. Changing Audit Objectives and Techniques. *The Accounting Review*, ۳۷(۴), ۶۹۶-۷۰۳.
- [۴] Boritz, J. E., N. Kotchetova, and L. A. Robinson. ۲۰۰۸. Planning Fraud Detection Procedures: Fraud Specialists vs. Auditors. Working Paper: University of Wate
- [۵] Costello, J. L. ۱۹۹۱. The Auditor's Responsibilities for Fraud Detection and Disclosure: Do the Auditing Standards Provide a Safe Harbor? *Maine Law Review*, ۴۳, ۲۶۵-۳۰۵.
- [۶] Davia, H. R. ۲۰۰۰. *Fraud ۱۰۱: Techniques and Strategies for Detection*. New York, NY: John Wiley and Sons, Inc.

- [۷]Demery, P. ۱۹۹۷. Auditor's New Fraud Detection Rule. *The Practical Accountant*, ۳۰(۳), ۲۲-۲۸.
- [۸]Dicksee, L. R. ۱۹۰۰. *Auditing: A Practical Manual for Auditors*. ۴th ed. London: Gee and Co., Printers and Publishers.
- [۹]Elliot, R. K. and Jacobson, P. D. ۱۹۸۷. The Treadway Report: Its Potential Impact. *The CPA Journal*, ۵۷(۱۱), ۲۰-۳۲

Archive of SID